

تکاورش دکتر تاکاوا و یامادا

## اثین امپراطوری ژاپون

کتاب جدید سلسله نسب امپراطوری که در (۱۱۲۴) سال پیش یعنی ۸۱۴ بعد از میلاد برشته تحریر در آمده شرحی از اسباب خاندانهای ژاپنی ذکر کرده و گوید در حدود یکربیع از ملت ژاپن نسبتاً بعلل بیگانه میرسد. این تناسب خارجیان با ژاپنیان خالص تا امروز هم ممکن است باقی باشد اما مهاجرین بیگانه تدریجاً وارد ملت ژاپنیان شده و خونشان با خون و فکر مردم این سرزمین آمیخته گشته است. در میان رجال بزرگ ژاپون عده بسیاری از همین مهاجرین بیگانه دیده میشوند مثلاً (ساکانو- نو تامو امارو) که سردار سپاه بود (کوزیما- تاکانوری) قانون گزار بزرگ و امثال آنها از همین اجنبیان بودند اما چنان در قلوب ملت ژاپن محترم و معزز هستند که توده مردم از اصل و نژاد آنها بی اطلاعند و آن قهرمانان را ژاپنی خالص میدانند. باین ترتیب نژاد ژاپنی خون بیگانگان را وارد نژاد خود کرده ولی اجازه نداده است که بیگانگی و پاکی خون از این راه هدمه بیند. اکثریت ملت ژاپن از همان خون نژاد خاندان امپراطوری هستند. حال باید دید آیا نجیبترین مردمان ژاپن باستاند اینکه با امپراطوران از یک نژادند ممکن بوده است بمقام امپراطوری برسند یا نه؟ خیر جواب منفی است. در ژاپن میان پادشاه و رعیت امتیاز ثابتی هست. رعایت این اصل کاملاً میشود حتی یکی از اعضای مستقیم و خانواده سلطنتی اگر به مرتبه رعیتی تنزل پیدا کند دیگر ممکن نیست بمقام عضویت خاندان ارتقاء یابد. مقام رفیع امپراطور مقدس و غیر قابل نقض است. تمام ژاپنها دارای نام و فامیل مخصوص هستند که نسب آنها را تعیین میکند لکن خاندان سلطنتی دارای نامی نیست. آیا در همه عالم خانواده ای هست که نام فامیلی نداشته باشد؟ این مطلب عجیبی است و در اسناد قدیمه چین هم مکرر غرابت آن گوشه زده شده است. خانواده های شخصی امپراطوران را بنام محلی که در آنجا مسکن داشته اند میخوانند مثلاً (تی تیونو- میا) یا (تاکاماتو نو- میا). در این دو مثال لفظ (میا) بمعنی مکان است. در ژاپن سو. ادب است که کسی ارباب یا پدر و مادر خود را باسم بخواند. از اینجهت شعبه های خاندان سلطنتی بنام مکانهایی که در آنجا مسکن دارند خوانده میشوند و این تسمیه را نباید با اسم خانواده کی معمول اشتباه کرد. مقصود از نام خانوادگی آنست که فامیلی را از سایر فامیلهای در جامعه بتوان تشخیص داد اما دودمان امپراطوری محتاج باین تمیز نیست: در تمام تاریخ ژاپن تغییر خانواده امپراطور دیده نمیشود و هرگز یک قوه خارجی بر کشور ژاپن تسلط نیافته و هیچ فاتحی نام جدیدی بخانواده امپراطوری نداده است. این نکته دلیلی روشن بر نفس و بقا و دوام سلطنت ژاپن است. از بدیهیات نزد ژاپنها یکی این است که سلطان کشور بکتن

چنانکه در قانون اساسی ژاپون تصریح شده است بنیان مشروطیت ژاپن بر این اصل است که آن کشور باید در تحت حکومت و سلطنت یکسلسله امپراطوران مقدس و محترم که نباید کسیخته نخواهد شد اداره شود. این اعتقاد سیاسی ژاپنیان است که آنرا از نیاکان خود وارث بردماند و در قریه و نسلهای آینده نیز این اعتقاد تغییر نمیکند. ایمان ژاپنها بسلطنت ابدی دودمان امپراطوری چنان ثابت است که اعتقاد بنور افشانی خورشید بر سطح زمین راسخ میباشد. طبیعت سازمان سلطنتی امپراطوری ژاپون در قرون ماضی و در آینده و تا ابد همین بوده و خواهد بود.

در ژاپن دولت و (تو) یعنی امپراطور جدائی ناپذیرند. در فکر توده ژاپن مفهوم دولت و (تو) با یکدیگر آمیخته است. نادولت باقی است باید (تو) در آن حکمرانی کند چنانکه نا شخص بقادر طبعاً با بدداری روحی باشد. همچنین است بدن انسان که از سلولهای بیشمار تشکیل شده است؛ وقتی آنرا مشخص میتوان گفت که روحی در آن قرار داشته باشد. میلونها ژاپونی نیز ملت ژاپن را تشکیل میدهند ولی شخصیت ملت بسته بانست که امپراطور در آن سلطنت کند عبارت دیگر از لحاظ روانشناسی امپراطور را میتوان روان کشور دانست و از لحاظ فلسفی امپراطور ذات مملکت است. در زبان خالص ژاپن امپراطور را سومرا میگویند یکی از اسماء قدیم الهی (سومرا) معنی کسی است که جماعت بسیار را بیگانگی بخشیده ویر آنها فرمانروائی میکند. اینکه امپراطور را بر و حور عایارا بن تشبیه کردیم در واقع کاملاً مطابقت با فکر ژاپنها ندارد زیرا که ملت ژاپن دوگانگی است. فکر ژاپنها در این باب باید چنین داشود که روح و بدن در واقع دو چیز نیستند بلکه دو جنبه از یک وجودند بنا بر این امپراطور و امپراتری او متحداً دولت ژاپن را تشکیل میدهند و چنانکه زن بدون روح چیزی نیست همچنین ملت ژاپن بی امپراطور خود دارای موجودیتی نخواهد بود.

اعتقاد مردم ژاپن بیگانگی امپراطور با رعایایش نه تنها مبتنی بر قوانین و اصول کشوری است بلکه متکی باین اعتقاد است که امپراطور و ملت از حیث خون یکی هستند. همه ژاپنها خود را اعضاء خاندان بزرگ ژاپن دانسته و امپراطور و دودمانش را از آن خاندان میدانند. از این جهت ژاپنها (تو) را مورد احترام فوق العاده قرار داده اورا سرور خاندان بزرگ شمرده و نسبت باو عشق و علاقه بسیار نشان میدهند و در راه وی فداکاری و جانبازی مینمایند.

رابطه محکم بین امپراطور و خاندان امپراطوری و ملت ژاپن هیچوقت کسیخته نشده حتی در موردی هم که خون بیگانه وارد نژاد ژاپن شده است.

حاوی معنای عمیق است. دانستن یعنی ادراک که یکی از اعمال نفس است و ادراک شینی وقتی حاصل میشود که مدرک را شامل گردد و با آن اتحاد یابد باین لحاظ کلمه سیر و سیمو دلالت میکند بر اینکه امپراطور یعنی نفس مدرک کشور و ملت خود را درک مینماید و با آن اتحاد مینماید، امپراطور همیشه در آک است و با اعتقاد مردم ژاپن پیوسته کشور و ملت خود را در بر دارد.

طریقه سومرامی کوتو یا کودو در زبان ژاپنی با لفظ سای سی نی تی بیان میشود که بمعنی وحدت پرستش و حکومت است. مراد از پرستش نیایش کردن خدایان اجداد است که شخص پرستنده مشیت آنان را بعمل میکند. این نوع پرستش برای مقام امپراطور عبادتی اساسی است. بنا بر قدیمترین روایات ژاپنی خدای موسوم به ایزاناکی واله موسوم به ایا نامی جزیره آفتاب مطلع را فرمان رب اعلی در آغاز آفرینش بوجود آوردند و از این جفت الهی هشت ملیون خداوند که یکی از آنها آماناسو اومی کلمی است زائیده شده است. از این قضیه استنباط میشود که پادشاه و ملت و کشور از یک مبداء و از یک پیوند جدائی ناپذیر بوجود آمده اند و ملت ژاپن عبارت از یک خاندان بزرگی است که بارشته های محکم نژادی بهم پیوستگی دارد. قدرت روحانی این موجود بزرگ از عشق سرشاری است که تمام اجزاء آنرا بیکدیگر اتصال بخشیده است. بقیده اهل ژاپن امپراطوران آنها نخستین مشیت خداوند انانراسو اومی کلمی را که مبداء سلطنت ازوست بجا آورده و عملی نموده اند پس طریقه و وظیفه امپراطور همانا مظهریت اراده نیاکان تاجدار است. محبت امپراطور نسبت بر عابای خود مبتنی بر عشق خویشاوندی میباشد و شیهه حب پدر نسبت بر فرزندان است زیرا که روح اجداد تاجدار در شخص امپراطور همواره در تجلی است. عشق رعیت در طریقه امپراتوری چین هم وجود داشته است اما طریقه امپراطوران ژاپن در یک چیز با آن اختلاف دارد و آن مورد اختلاف عبارت از این است که محبت پدرانه امپراطور نسبت بر رعیت با پرستش نیاکان تاجدار و ریائی توأم است. در واقع یک عشق ازلی پدرانه در سلسله انقطاع ناپذیر امپراطوران نسبت بملت جریان داشته و در هر زمان شخص امپراطور نماینده آنست.

خلاصه امتزاج سلطنت یعنی امپراتوری و پرستش نیاکان در لغت ژاپنی باین الفاظ ادا میشود (سای سی ای تی).

آئین امپراطور عبارت است از ستایش خدایان و محبت ملت در قرون متعددی این عشق پدرانه نسبت بر فرزندان از اجداد ربانی امپراطوران بارت منتقل میگردد. بنا بر این دولت ژاپن نماینده عشق ابدی خاندان بزرگ ژاپون است. این عشق مسلماً مقدر شده است که بر تمام ملل جهان شامل گردد

پیش نتواند بود و در این باب در زبان ژاپنی امثالی جاری است از قبیل اینکه دو خورشید در آسمان و دو امپراطور در یک کشور نتواند بود. عبارت دیگر چنین است: پادشاه یکی و ملت بسیار. در عبارت دیگر گویند شخص واحد. مقصود از این الفاظ آنست که امپراطور موجودی ممتاز است. پس اینکه در صدر مقاله گفتیم که ژاپن از ازل در تحت یک سلسله غیر منقطع و مقدس از امپراطوران اداره شده است و تا ابد خواهد بود نظر بهمین اعتقاد ملت است. واضح است وقتی فرد میتواند دارای شخصیت باشد که در تمام عمر آن شخصیت را حفظ کند همین طور تا زمانی که سلطنت یک کشور در مکان یکی است در زمان هم جاری و یکی خواهد بود. کشور اساساً وجودی ابدی است در ژاپن حیات ابدی کشور را عبارت (تن ژومو کیو) تعبیر میکنند که بمعنی وجودی است که مانند آسمان و زمین ابدی است. حیات کشور که مانند آسمان و زمین دائمی است دوامش بوجود امپراطور مقدس و مطلق خود است چنانکه دوام زمین و آسمان با پروردگار قادر بیکتاست. حال باید دید مقام امپراطور در این سلسله مستقیم امپراطوران چیست؟

جواب این سؤال را در این نکته باید یافت که می بینیم تخت و تاج ژاپن از فرقه های متمادی در دست یک سلسله غیر منقطع امپراطوران بود و در هیچ زمانی مرتبه امپراطور بدرجه رعیتی تنزل نیافته و خون آنها در کمال نفس و طهارت باقی بوده است. در ژاپن اشیائی محفوظ است که گواهی قدمت سلسله مقدس امپراطوری است و آن اشیا را سه گنج مقدس مینامند یکی آئینه ای از فلز دوم شمشیری، سوم گوهری گرانبها. این سه نخته را اجداد اعلی خاندان امپراطوری موسوم به آماناسو - اومیکامی پیدر بزرگ امپراطور زینو که نامش نی تی ژینو میگویند بوده عطا کرده است و نسلاً بعد نسل بنشانه و یادگار مقام سلطنت از امپراطوری بامپراطوری منتقل است. آئینه مقدس در معبد بزرگ راکه گذاشته شده است و آنرا مظهر روح جد اعلای خاندان مینامند و شمشیر مقدس در معبد اتوتا نهاده شده است، اما گوهر گرانبها که سومین یادگار مقدس باشد همواره در نزد شخص امپراطور است و شیهه دو نخته دیگر هم که در عهد امپراطوری سوزین که از سال ۹۷ - تا ۳۹ ق. م سلطنت مینموده ساخته اند، در نزد امپراطور است. هنگام افتتاح شورای امپراطوری ماهمه مفتخر شده ایم که آن گوهر مبارک و میمون را با تقلید آئینه و شمشیر مشاهده نمائیم. این سه یادگار را در مقابل امپراطور نگاه میدارند. گوهر مقدس را بهمان صورتیکه در زمان نیاکان نامدار ژاپن ساخته شده در برابر ملت عرضه میدارند و آنرا مظهر عشق و عظمت سومرامی کوتو میدانند. انتقال این سه گنج موروث در سلسله امپراطوران دلیل قدمت سلسله است. اعتقاد ژاپن راجع باینکه امپراطور روح و نفس کشور است در زبان خالص ژاپنی بلفظ سیر و سیمو تعبیر میشود و معنای ظاهری این کلمه میدانند است اما در باطن این کلمه کوچک